

برای تحول در زندگی ۱۰ میلیون حاشیه‌نشین فکری کنید



مهدی عبداللهی

دبیر گروه اقتصادی

«تحول خواهی، تحول‌ انگیزی و تحول آفرینی»محوراصلی‌سخنرانی‌اخیر رهبر معظم انقلاب در سالگرد ارتحال بنیانگذار جمهوری اسلامی بود. ایشان این‌شاخص‌را‌از‌مهم‌ترین‌خصوصیات‌امام‌راحل‌خواندند‌و‌تا‌کید‌کردند‌برای‌زنده‌ماندن انقلاب باید با درس‌آموزی از این ویژگی نرم‌افزاری و عملیاتی‌امام،‌رویکرد‌تحولی‌و‌گرایش‌پرشتاب‌به «بهرتر شدن و حرکت جهشی» را، در همه زمینه‌ها به‌خصوص در زمینه‌هایی‌که‌می‌تحرکی‌یا‌عقبگردداشته‌ایم‌یا‌جدیدت‌نیال‌کنیم.در‌مسائل‌اقتصادی «قطع وابستگی اقتصاد از نفت و بودجه‌بندی عملیاتی»، در مسائل آموزشی «فایده‌محور و عمقی و کاربردی شدن دروس در مراکز آموزشی»، در مسائل اجتماعی «تامین عدالت» و در مسائل خانواده و موضوع ریشه کنی اعتیاد و همچنین جلوگیری از پیر شدن کشور، ازجمله موضوعات مورد تاکید رهبر انقلاب در رویکرد تحولی بود. طبق تاکید رهبر انقلاب، مبنای صحیح این تحول خواهی و تحول آفرینی، استوار شدن آن بر پشتوانه فکری و یک اندیشه متفن و شکل یافته است. در همین راستا در گزارش پیش‌رو به ابعادی کمتر بحث شده از یک مساله حاد اجتماعی یعنی حاشیه‌نشینانی پرداخته شده که به‌عنوان یک زخم قدیمی اما درمان نشده از ابتدای پیروزی انقلاب باقی مانده است. گزارش پیش‌رو که پس از مرگ یکی از حاشیه‌نشینان شهر کرمانشاه یعنی خانم آسیه پناهی به نگارش درآمده است، به ضرورت‌های نگاه تحول آفرین در حوزه حاشیه‌نشینانی پرداخته و از همین‌رو، فرآیندهای خلق کننده حاشیه‌نشینانی در کشور، بنیان‌های نظری مواجهه با حاشیه‌نشینان در جهان، تجربیات جهانی نوع و نحوه‌مواجهیاجباحاشیه‌نشینان‌وهمچنین‌عملکرددولت‌های‌قبل‌و‌پس‌از‌پیروزی‌انقلاب اسلامی در رابطه با ساماندهی حاشیه‌نشینان را مورد بحث و بررسی قرار داده است. براساس نتایج این گزارش که از داده‌های آماری مستند تهیه شده است، تا قبل از تجربه التهايات ارزی سال ۱۳۹۷ و تا قبل از تجربه تورم بالای ۱۵ درصدی که طی دو سال گذشته قدرت خرید خانوارها در دهک‌های مختلف درآمدی را شدیداً تحت‌تاثیر قرار

داده، بیش از ۱۰ میلیون حاشیه‌نشین با شرایط دشوار در حاشیه شهرهای بزرگ و کوچک کشور زندگی می‌کردند که طی دوسال اخیر نیز به‌نظر می‌رسد پیامدهای ناشی از مشکلات اقتصادی ازجمله افزایش بی‌رویه قیمت مسکن، بازهم به تعداد جمعیت حاشیه‌نشین افزوده است. از این رو هر نوع بی‌توجهی و کم‌توجهی به این جمعیت آسیب‌پذیر، علاوه بر اینکه با مبنای نظری و عملی انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام‌و رهبری در تضاد است، از سوی دیگر می‌تواند خسارت‌های غیرقابل جبران اقتصادی- اجتماعی و امنیتی را به کشور تحمیل کند.

۹ بام ساعتی ۱۰ میلیون حاشیه‌نشین

آنچنان‌که از مفاهیم برمی‌آید، حاشیه‌نشینانی مفهومی ذهنی است و مصادیق آن از شهری به شهر دیگر و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. اصطلاحات و واژه‌های متعددی در سطح جهان برای حاشیه‌نشینانی ازسوی صاحب‌نظران به کار برده شده است از قبیل زاغه‌نشینان، آلونک‌نشینان، کوخ‌نشینان، کپرنشینان که جملگی مترادف یکدیگر هستند. گذشته از این، سکونتگاه‌های غیررسمی، سکونتگاه‌های خردرو، سکونتگاه‌های عدولانی، سکونتگاه‌های حاشیه‌ای، اجتماع آلونکی و اسکان ناهنجار مفاهیم دیگری در باره پدیده حاشیه‌نشینانی هستند که ازسوی صاحب‌نظران و کارشناسان مسائل شهری ارائه شده است. برخی عقیده دارند حاشیه‌نشینان کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند ولی جذب نظام اقتصادی و اجتماعی نشده‌اند. برخی دیگر، حاشیه‌ا را به‌عنوان فرآیندی ناشی از تصرف نواحی شهری به قصد تهیه مسکن تلقی می‌کنند. در واقع فضای اقتصاد شهری به‌عنوان یک عامل جذب و دفع افراد درون کالبد شهر محسوب شده و افراد به‌میزانی که قدرت جذب در این فضا را داشته باشند، در سکونت به مرکز شهر نزدیک‌تر می‌شوند. هستند که در ارتباط با حاشیه‌نشینانی شهری به کار برده شده‌اند.

درخصوص حاشیه‌نشینانی و جمعیت حاشیه‌نشینان تعاریف مختلفی وجود دارد. در همین راستا در کشورمان نیز آمارها و ارقام متفاوت و متناقضی از تعداد حاشیه‌نشینان کشور ارائه می‌شود؛ چنان‌که در سال‌های گذشته تعداد حاشیه‌نشین‌های کشور حدود ۱۱ میلیون نفر اعلام شد، در مقطعی عباس آخوندی وزیر سابق راه‌وشهرسازی نیز حاشیه‌نشینان را ۱۹ میلیون نفر اعلام کرده‌چنین‌رئیس‌سابق کمیسیون اجتماعی مجلس نیز در سال ۹۶ گفت ۳۵ درصد از جمعیت کشور حاشیه‌نشین هستند. امادر گزارش حاضر به گزارش استنادشده که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی طی سال ۱۳۹۴ با عنوان دستورالعمل اجرایی برنامه تامین مراقبت‌های اولیه سلامت در مناطق حاشیه‌شهرها وسکونتگاه‌های غیررسمی تهیه کرده است. مبنای داده‌های این آمار که علوم پزشکی استان‌های مختلف کشور آن را برای ارائه خدمات بهداشتی تهیه کرده‌اند، تعریف‌ساده‌ملی‌توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی از حاشیه‌نشینانی بوده است. براساس این تعریف حاشیه‌نشینان: در بافت‌هایی زندگی می‌کنند که جمعیت آنها عمدتاً از مهاجران روستایی و تهی‌دستان شهری را در خود جای داده و بدون مجوز و خارج از برنامه‌ریزی رسمی و قانونی توسعه شهری (طرح‌های جامع و تفصیلی) در درون یا خارج از محدوده قانونی شهرها به‌وجود آمده‌اند، مسکن آنها عمدتاً فاقد سند مالکیت بوده و از نظر ویژگی‌های کالبدی و برخوردار از خدمات رفاهی، اجتماعی و فرهنگی و زیرساخت‌های شهری شدیداً دچار کمبود هستند.

طبق مطالعات وزارت بهداشت، در سال ۱۳۹۴ از جمعیت ۷۹ میلیون نفری کشور حدود ۱۰ میلیون و ۳۹۲ هزار و ۸۳۲ نفر در اطراف کلانشهرها و شهرهای بالای ۲۰ هزار نفر کشور حاشیه‌نشین بوده و از دسترسی به بسیاری از امکانات اقتصادی، کالبدی، قانونی و اجتماعی بی‌بهره بوده‌اند.

براساس این آمار، خوزستان با یک میلیون و ۵۵۷ هزار حاشیه‌نشین، بیشترین جمعیت حاشیه‌نشین را بین استان‌های کشور دارد و این میزان حدود ۲۳ درصد از کل جمعیت استان را تشکیل می‌دهد. پس از این استان، خراسان رضوی با یک میلیون و ۳۸۶ هزار نفر در رتبه دوم قرار داشته و استان البرز با بیش از یک میلیون حاشیه‌نشین در رتبه سوم قرار دارد. در رتبه‌های چهارم، پنجم و ششم نیز استان‌های تهران، فارس و آذربایجان شرقی قرار دارند که به ترتیب دارای ۸۶۱ هزار نفر، ۶۱۳ هزار نفر و ۵۵۹ هزار نفر جمعیت حاشیه‌نشین هستند. استان اصفهان و سیستان و بلوچستان نیز به ترتیب در رتبه‌های هفتم و هشتم قرار داشته و هر کدام دارای بیش از ۴۵۰ هزار نفر جمعیت حاشیه‌نشین هستند. در انتهای جدول نیز سه استان چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی و بوشهر قرار دارند که دارای کمترین جمعیت حاشیه‌نشین هستند.

۹ لبراليسم عليه آسپه پناهى ها

در مورد اسكان غيررسمی و حاشیه‌نشینانی، صاحب‌نظران و اندیشمندان زیادی با بهره‌گیری از مکاتب عملی مختلف، به ارائه دیدگاه‌ها و راه‌حل‌های گوناگون مبادرت ورزیده‌اند. در این میان از لیبرالیسم، رادیکالیسم، مکتب وابستگی و نئولیبرالیسم یاد می‌شود که هر یک به‌نحوی از اثرگذارترین مکاتب فکری در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و شهری به‌ویژه متفولو‌مسکن در چند قرن گذشته به‌شمار می‌روند. لیبرالیسم

را می‌توان به‌عنوان دکترین و مجموعه‌ای از اصول درجهت ساماندهی و مدیریت اقتصاد بازار به‌منظور دستیابی به حداکثر کارایی، رشد اقتصادی و رفاه فردی دانست. ازجمله نظریه‌های پرآمده از نظام سرمایه‌داری و لیبرالیسم، نظریه با مکتب تکامل‌گرای نوسازی است که در نیمه دوم قرن بیستم از مؤثرترین دیدگاه‌ها در حوزه برنامه‌ریزی شهری و سیاست‌های کالبدی شهری بوده است، به‌نحوی که بسیاری از مدل‌های فضایی رایج که زیربنای سیاست‌های شهری در کشورهای در حال توسعه را تشکیل می‌دهند، غالباً از نظریه نوسازی ناشی شده است. مهم‌ترین چهره دیدگاه لیبرالی، جان اف ترنر (John F.Turner) معمار معروف دانشگاه آمل‌تی است که توسط مطالعه آلونک‌نشینانی در جهان سوم به‌ویژه در آمریکای لاتین (عمدتاً در پروز) و جنوب شرق آسیا (عمدتاً در هنگ کنگ) پرداخته است. او معتقد است باید زمینه‌ای فراهم آورد که تهی‌دستان شهری نیز چون سایر طبقات و براساس توان و نیازهای خود، سرپناهی تدارک ببینند. «ترنر» مدعی است زمانی که افراد امکان مسکن خودساز را فراهم آورند، دولت باید امکانات و خدماتی از قبیل راه آب، آشامیدنی، برق و سایر امکانات بهداشتی و آموزشی را دراختیار تهی‌دستان قرار دهد. نظریات لیبرالی ازجمله نظریات ترنر در جهت‌گیری بانک جهانی نسبت به مسکن تهی‌دستان مورد توجه قرار گرفت و برنامه‌هایی نظیر آماده‌سازی‌های زمین در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، نمونه‌های از عمل به‌این‌گونه نظریات است. در نقطه مقابل دیدگاه لیبرالی، دیدگاه اقتصادسیاسی فضا قرار دارد. البته این دیدگاه یک‌دست نیست و به شقوق مختلف و در مباحث متناقض تقسیم‌می‌شود. دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا به‌علل پدیدایش سکونتگاه‌های مختلف می‌پردازد و می‌کوشد با ریشه مساله درگیر شود. لذا سرمایه‌داری و تحولات آن خاصه پس از جنگ جهانی دوم به‌متغیر مستقل و اصلی این دیدگاه تبدیل می‌شود. در دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا که مبنای آن ساماندهی است، دولت‌ها با به‌سزای مناطق از راه قانونی کردن زمین و بهبود شرایط زندگی مردم و استفاده از مشارکت ساکنان سعی دارند در درجه اول این سکونتگاه‌ها را به رسمیت بشناسند و در درجه دوم از توان و استعداد ساکنان برای ایجاد محیط زندگی بهتر بهره‌برداری کنند.

برهمنین اساس در سطح جهان مبنای عمل دولت‌ها در قبال حاشیه‌نشینانی نیز به این صورت بوده که تا ابتدای دهه ۱۹۷۰ تحت‌تاثیر نگرش لیبرالی، حداقل دخالت در امر مسکن و سکونتگاه‌های غیررسمی را در دستور کار داشتند. سیاست نادیده‌گرفتن در مواجهه با مساله حاشیه‌نشینانی در این مقطع دنبال شد؛ لیکن به‌دنبال تشدید مساله فقر شهری و مسکن، «برنامه خانه‌سازی اجتماعی» و سیاست بسیاری از کشورها شد. این برنامه خیلی زود به دلایلی چون کمبود منابع مالی، عدم در نظر گرفتن نیازها و سبک زندگی گروه‌های هدف، در ارائه خدمات با شکست مواجه شد. در دهه ۱۹۷۰، تحولی در سیاست‌های نفع مشارکت تهی‌دستان پدید آمد. لذا به‌جای احداث واحدهای مسکونی به ارائه زمین‌های سرویس داده شده پرداخته شد و تنها زمین‌های تفکیک و برنامه‌ریزی شده به افشار فقیر و اگذار می‌شد. طرح «زمین‌خدمات» تطابق و انعطاف‌پذیری بیشتری را در ساخت‌وساز به‌وجود آورد و با ایجاد خودیاری ازسوی افراد جامعه و کمک‌های مالی آنان، بخشی از هزینه‌ها را تامین می‌شد. لیکن به‌دلیل مشکلات مالی جوامع فقیر در بازپرداخت وام‌ها و بدهی‌های ونیاز به عرضه فراوان اراضی، در نهایت پروژه به‌تمام باقی ماند و نتوانست در درازمدت مؤثر باشد. در سال‌های پایانی ۱۹۸۰، سیاست توانمندسازی مناطق حاشیه‌نشین، به لزوم ایجاد تعامل بین بخش عمومی و خصوصی و به‌تکیه یک‌جانبه بر یکی از آنها شکل گرفت. این سیاست، جمع‌بندی تجربی بود که در مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد و برنامه توسعه سازمان ملل متحد، تکوین یافته و بانک جهانی نیز با آن هم‌داستان گشته است. بسیج تمامی امکانات

اقتصاد

شهر آسیه پناهی‌ها

با لقوه و منابع موجود برای ایجاد مسکن و بهبود مسکن شرایط زندگی گروه‌های فقیر، مشارکت فعال ساکنان فقیر، جلوگیری از تخریب حداقل سرپناه، تکیه بر روش‌های مشارکتی برای تامین سرپناه کافی برای همه از جمله برنامه‌های الگوی توانمندسازی بود. نبود حق تملک تضمین‌شده، معامله نادرست اراضی مسکونی، نظام‌های مالی انعطاف‌ناپذیر در زمینه مسکن، مقررات نامطلوب در زمینه ساخت‌وساز و طراحی از جمله مشکلات طرح توانمندسازی بود که اجازه نداد این طرح به نتایج مطلوبی برسد. در اواخر دهه ۱۹۹۰ برای حل معضلات حاشیه‌نشینانی، الگوی «پیکار جهانی برای تضمین حق اقامت و سکونت (شهرهای بدون زاغه)» ازسوی کنفرانسی که توسط سازمان ملل برگزار شده بود، پیشنهاد شد. در این الگو، ارتقای وضعیت سکونتگاه‌های غیرمتعارف و زاغه‌های شهری به‌عنوان راه‌حلی عملی و مناسب، برای کمبود مسکن شهری مورد تاکید قرار گرفت. بر اساس این الگو، مهم‌ترین عامل در موفقیت برنامه‌های به‌سزای، تعهد و الزام همه افراد جامعه است. مشارکت قشر فقیر شهری در طراحی راه‌حل‌هایی برای حل مشکل مسکن، حق مسکن برای همه، تضمین حق مالکیت، مشارکت به‌عنوان وسیله‌ای برای توسعه پایدار، اسکان مجدد بدون اعمال زور به‌جای تخلیه اجباری و دسترسی قشر فقیر شهری به زمین برای سکونت دستورکار آخرین الگوی طرح شده در جهان برای مواجهه با حاشیه‌نشینانی است. آنچنان‌که در ادامه خواهد آمد، در هر دوره (قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی) نوع مواجهه با حاشیه‌نشینانی در ایران نیز برگرفته از الگوها و دیدگاه‌های جهانی بوده است.

۹ افزایش ۲ تا ۵ برابری تقاضای مسکن در حومه‌ها

محققان معمولاً علل تشکیل سکونتگاه‌های غیررسمی را در دو سطح بررسی می‌کنند: سطح کلان و سطح خرد. علل سطح کلان عمدتاً در نتیجه ساختار اقتصادی- اجتماعی اتفاق می‌افتد که بخشی از آن به‌واسطه فشار بر ساختارهای اشتغال و تولید اتفاق می‌افتد. در نتیجه این اتفاق، بخش قابل توجهی از مناطق روستایی، روستا‌شهرها و شهرهای بزرگ به کلانشهرها مهاجرت کرده و در نتیجه نداشتن مهارت، شغلی، تحصیلی و قدرت خرید کافی در ساختارهای رسمی اقتصاد شهری جذب نشده و مجبور می‌شوند در حاشیه شهرها و سکونتگاه‌های غیررسمی برای خود حداقل مسکن را دست‌وپا کنند.

اما بخش دوم از شکل‌گیری حاشیه‌نشینانی، حاصل سازوکار تبعیض‌آمیز و مولد فقری است که به‌واسطه توزیع ناعادلانه منابع قدرت و ثروت و میزبان بهره‌مندی از آنها وجود دارد و نمود این تبعیضات را می‌توان هم در سطح ملی و هم منطقه‌ای و محلی مشاهده کرد که در سطح ملی به‌صورت عدم تعادل‌های منطقه‌ای در سطح منطقه‌ای و محلی به‌صورت برتری شهرهای بزرگ و محلات ثروتمند نسبت در برابر دیگر شهرها مشاهده است که سبب مهاجرت به‌سوی کانون‌های سکونتگاهی برتری می‌شود. اما در سطح خرد نیز علل گوناگونی وجود دارد که مهم‌ترین آن عبارتند از: ۱- ضعف برنامه‌های بخشی مشخص و مؤثر برای پاسخگویی به نیاز سرپناه کم‌درآمد هادر توزیع جغرافیایی مناسب؛ ۲- عدم پیش‌بینی فضایی مسکونی کافی و مناسب افشار کم‌درآمد در طرح‌های کالبدی شهری و اعمال استانداردهای خارج از استطاعت ایشان، ۳- دسترسی ناپذیر به نظام‌های رسمی اعتباری و وام مسکن برای کم‌درآمدها، به‌ویژه شاغلان در بخش غیررسمی؛ ۴- وجود باندهای قدرت نامشروع و سوداگران زمین باز به موارات اعمال و تحولات و نظارت و کنترل در ساخت‌وسازها به‌ویژه در فضای بینابینی شهرها-نه فقدان نهادسازی برای تجهیز و تجسیع منابع افشار کم‌درآمد و عدم حمایت و هدایت دولت در مورد خانه‌سازی خودیاری.

استان	دستگاه جمع‌آوری کننده داده‌های آماری	تعداد کل جمعیت حاشیه‌نشین و ساکن سکونتگاه‌های غیررسمی	سهم از کل جمعیت استان (درصد)
خوزستان	دانشگاه‌های علوم پزشکی اهواز، دزفول، آبادان، بهبهان و شوشتر	۱.۵۵۷.۳۹۱	۳۳
خراسان رضوی	دانشگاه‌های علوم پزشکی مشهد، سبزوار، گناباد، تربت‌حیدریه، نیشابور و تربت‌جام	۱.۳۸۶.۴۶۲	۲۲
البرز	دانشگاه علوم پزشکی البرز	۱.۰۰۰.۴۸۲	۳۷
تهران	دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران، تهران و شهیدبهشتی	۸۶۱.۵۷۳	۶
فارس	دانشگاه‌های علوم پزشکی شیراز، فارس، لارستان و جهرم	۶۱۲.۸۷۱	۱۳
آذربایجان شرقی	دانشگاه‌های علوم پزشکی تبریز و مراغه	۵۵۹.۰۸۵	۱۴
اصفهان	دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و کاشان	۴۵۹.۸۰۹	۹
سیستان و بلوچستان	دانشگاه‌های علوم پزشکی زابل، زاهدان و ایرانشهر	۴۵۶.۱۱۹	۱۶
آذربایجان غربی	دانشگاه علوم پزشکی ارومیه	۴۴۹.۶۷۱	۲۰
کردستان	دانشگاه علوم پزشکی کردستان	۳۳۶.۹۸۸	۱۳
قم	دانشگاه علوم پزشکی قم	۳۰۰.۰۰۰	۲۳
هرمزگان	دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان	۳۲۷.۵۳۹	۱۸
اردبیل	دانشگاه علوم پزشکی اردبیل	۲۲۴.۳۱۰	۱۳
کرمانشاه	دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه	۱۸۱.۸۵۶	۹
همدان	دانشگاه‌های علوم پزشکی همدان و اسدآباد	۱۷۹.۸۷۱	۱۰
زنجان	دانشگاه علوم پزشکی زنجان	۱۷۳.۱۸۶	۱۶
مرکزی	دانشگاه‌های علوم پزشکی ساوه و اراک	۱۷۰.۵۹۲	۱۲
مازندران	دانشگاه‌های علوم بزشکی بابل و ساری	۱۵۰.۰۰۰	۵
گیلان	دانشگاه علوم پزشکی گیلان	۱۴۶.۳۵۹	۶
قزوین	دانشگاه علوم پزشکی قزوین	۱۳۲.۴۱۵	۱۰
لرستان	دانشگاه علوم پزشکی لرستان	۱۳۲.۴۰۳	۸
کهگیلویه بویراحمد	دانشگاه علوم پزشکی یاسوج	۱۲۰.۸۰۰	۱۷
خراسان‌شمالی	دانشگاه‌های علوم پزشکی اسفراین و بجنورد	۱۱۲.۶۶۴	۱۳
یزد	دانشگاه علوم پزشکی یزد	۱۰۹.۶۷۲	۱۰
کرمان	دانشگاه‌های علوم پزشکی رفسنجان، کرمان، جیرفت و بم	۷۸.۷۱۴	۲
گلستان	دانشگاه علوم پزشکی گلستان	۶۲.۳۸۴	۳
سمنان	دانشگاه‌های علوم پزشکی سمنان و شاهرود	۵۷.۶۰۵	۸
ایلام	دانشگاه علوم پزشکی ایلام	۵۲.۳۳۰	۹
چهارمحال و بختیاری	دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد	۴۳.۷۸۱	۵
خراسان جنوبی	دانشگاه علوم پزشکی بیرجند	۴۰.۰۰۰	۵
بوشهر	دانشگاه علوم پزشکی بوشهر	۳۶.۰۰۰	۳
	جمع کل	۱۰.۳۹۲.۸۳۲	۱۳
	منبع: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دستورالعمل اجرایی برنامه تامین مراقبت‌های اولیه سلامت در مناطق حاشیه شهرها و سکونتگاه‌های غیررسمی		

دوره	سیاست / رویکرد	مصادق	دوره اصلی رواج
رویکرد اول	نادیده گرفتن	جنوب تهران	دوره پهلوی اول و دوم
رویکرد دوم	پاکسازی	جنوب تهران- خاک سفید	اوایل انقلاب و دهه ۷۰
رویکرد سوم	مسکن عمومی	کوی نهم آبان	در دوران مختلف
رویکرد چهارم	سیاست‌های بخشی مختلف مسکن	قانون تامین مسکن کم‌درآمدها (۱۳۷۲)	دهه ۱۳۷۰
رویکرد پنجم	مکان-خدمات و آماده‌سازی	نما شهرهای ایران	دهه ۱۳۶۰
رویکرد ششم	شهرهای جدید	کلانشهرها	دهه ۱۳۶۰ و اوایل ۱۳۷۰
رویکرد هفتم	به‌سزای و توانمندسازی	بندر عباس – کرمانشاه و زاهدان	دهه ۱۳۸۰
رویکرد هشتم	بازآفرینی شهری	بازآفرینی ۱۳۳۴ محله	از سال ۱۳۹۶
		منبع: معصومه انتصابی به‌منقل از بهمن کارگر و رحیم سرور و مطالعات این گزارش	

جدول شماره ۲- رویکردهای اصلی حل مساله اسکان غیررسمی و مسکن کم‌درآمدها در ایران

